



دانشگاه سبزگان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فلسفه و حکمت اسلامی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

رابطه عقل و دین از دیدگاه شیخ مفید(ره)

استاد راهنما:

دکتر مریم خوشدل روحانی

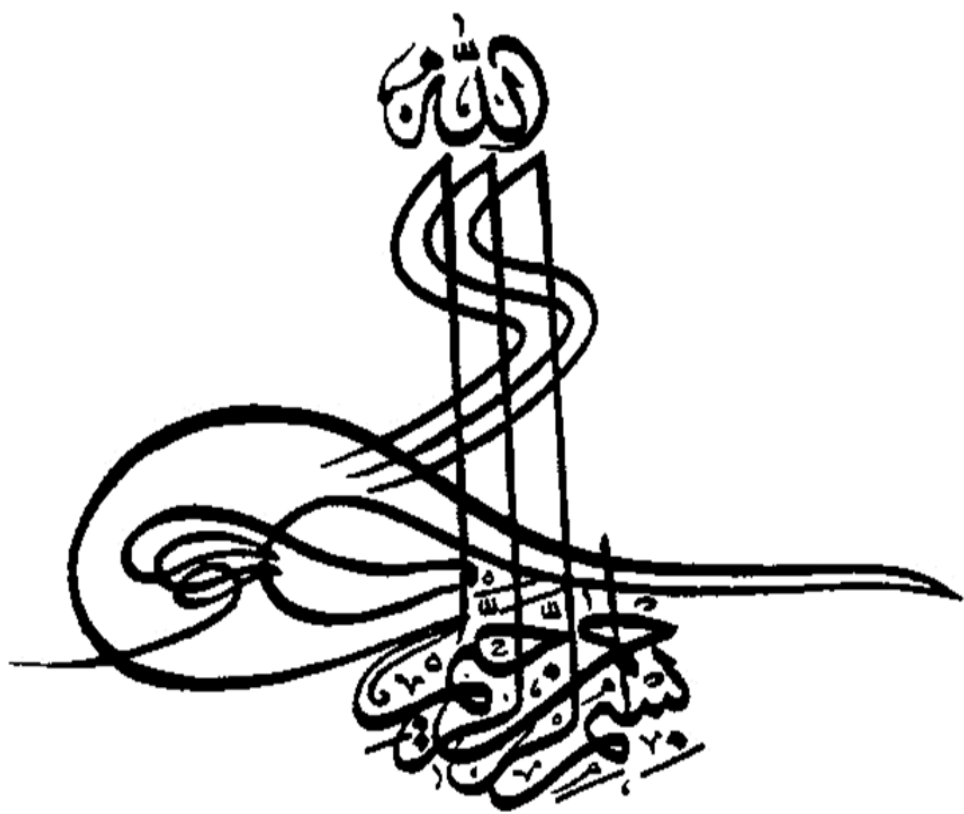
استاد مشاور:

دکتر حسین اترک

دانشجو:

سمیه ثبوتی

اسفند ۱۳۹۱



**تقدیم به:**

**پدر بزرگوار**

**و**

**مادر عزیزم**

## تشکر و قدردانی

با سپاس به درگاه ایزد متعال که به انسان نعمت تعقل و تعلم را ارزانی داشت و این بنده حقیر را در راه کسب علم و دانش یاری فرمود.

این مکتوب محصول عنایات و زحمات بزرگوارانی است که نگارنده بر خود فرض می‌داند به مصداق «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق»، مراتب ارادت و سپاس خویش را به ایشان اظهار بدارد.

تقدیر و سپاس بی‌پایان از استاد ارجمندم سرکار خانم دکتر روحانی که با درایت و احاطه علمی کامل مرا در تمامی مراحل انجام این نوشته مورد التفات خویش قرار دادند.

با تشکر و سپاس شایسته از استاد مشاور فرهیخته جناب آقای دکتر اترک که با نکته‌سنجی های عالمانه خویش نهایت مساعدت را در جهت به انجام رساندن این رساله مبذول فرمودند.

با تقدیر و تشکر شایسته از داوران گرامی، آقایان دکتر فتحزاده و دکتر جاهد که بزرگوارانه داوری این رساله را به عهده گرفته‌اند. و نیز از اساتید محترم گروه فلسفه دانشکده علوم انسانی دانشگاه زنجان که در ایام تحصیل از وجودشان بهره برده‌ام، سپاسگزاری می‌نمایم.

تقدیر و درود فراوان خدمت پدر و مادر بسیار عزیز، دلسوز و فداکارم که پیوسته جرعه‌نوش جام تعلیم و تربیت، فضیلت و انسانیت آنها بوده‌ام و همواره چراغ وجودشان روشنگر راه من در سختی ها و مشکلات بوده است..

قدردان همسر بزرگوام که زمینه آرامش را برایم فراهم آورد و با فداکاری و صبر فراوان سختی‌های زندگی مشترک در دوره دانشجویی را تحمل نمود و در طول تحصیل همراه و همگام من بود.

بی‌شک بدون کمک این بزرگواران، توفیق انجام این کار حاصل نمی‌شد. در پایان برای همه این عزیزان سلامت و سعادت از خداوند منان مسألت دارم.

## چکیده

مسأله رابطه عقل و دین از کهن‌ترین موضوعات فلسفی و کلامی بوده که تاریخ بر سابقه دیرینه آن گواهی می‌دهد. عقل و دین به عنوان دو منبع اصلی معرفت و دو عامل اساسی رشد و ارتقای حیات انسانی همواره مورد توجه متفکرین بوده است. نکته قابل توجه این است که، عقل به عنوان امری اکتسابی بوده که در دسترس اکثریت انسانها قرار دارد و معارف دینی و وحیانی به عنوان داده‌هایی لحاظ می‌شوند که خداوند در اختیار گروه اندکی قرار داده است تا از طریق آنها به دیگران ابلاغ شود.

بررسی آراء کلامی شیخ مفید که سهم عمده‌ای در شکل‌گیری و گسترش کلام شیعه ایفا نموده است، بیانگر آن است که شیخ مفید قائل به سازگاری میان عقل و دین است. به عقیده وی عقل از سمع جدایی ناپذیر است. شیخ مفید با توجه به عصری که در آن می‌زیسته و بر مبنای تفکراتش، تلاش نموده با پایبندی تمام به اصول و شیوه‌های منطقی، به اثبات عقاید شیعه و دفاع از آن بپردازد. وی عقل را به عنوان وسیله‌ای برای دفاع از آموزه‌های وحیانی لازم و ضروری می‌داند و از تقلید کورکورانه در پذیرش احکام و آموزه‌های وحیانی منع کرده است. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است تا پس از بررسی سرگذشت عقل و دین در میان متکلمان اسلامی به بیان دیدگاه شیخ مفید در این خصوص پرداخته و جایگاه عقل و معارف دینی و رویارویی این دو را در اندیشه شیخ مفید تبیین نمود.

واژگان کلیدی:

عقل، دین، شیخ مفید، عقل و دین، نقل

# فهرست

صفحه	عنوان
	فصل اول:
۹	کلیات.....
۱۰	۱. مقدمه و طرح مسأله.....
۱۱	۱-۱. عقل و وحی.....
۱۲	۲-۱. عقل و ایمان.....
۱۳	۳-۱. علم و دین.....
۱۴	۴-۱. فلسفه و دین.....
۱۵	۲. پیشینه بحث.....
۱۵	۱-۲. پیشینه مطالعاتی.....
۱۵	۱-۱-۲. کتاب‌ها.....
۱۶	۲-۱-۲. مقالات.....
۱۷	۳-۱-۲. پایان‌نامه‌ها.....
۱۸	۲-۲. پیشینه تاریخی.....
۲۳	۳. ویژگی نوآوران پژوهش.....
۲۳	۴. روش انجام تحقیق.....
۲۴	۵. سوالات تحقیق و فرضیه‌ها.....
۲۵	۶. واژه‌شناسی.....
۲۵	۱-۶. چیستی عقل.....
۲۵	۱-۱-۶. معنای لغوی عقل.....

۲۶	۲-۱-۶. معنای اصطلاحی عقل
۲۶	۱-۲-۱-۶. عقل در قرآن و روایات
۲۸	۲-۲-۱-۶. عقل در اصطلاح حکما
۳۱	۳-۲-۱-۶. عقل در اصطلاح فقها
۳۱	۴-۲-۱-۶. عقل در اصطلاح علم کلام
۳۲	۲-۶. تعریف دین
۳۲	۱-۲-۶. معنای لغوی دین
۳۳	۲-۲-۶. معنای اصطلاحی دین
۳۴	نتیجه‌گیری

فصل دوم:

### بخش اول: رابطه عقل و دین در گذر تاریخ اسلام

۳۶	بخش اول: رابطه عقل و دین در گذر تاریخ اسلام
۳۷	۱. مقدمه
۳۸	۲. تاریخچه‌ی رابطه‌ی عقل و دین در اسلام
۳۹	۱-۲. نص‌گرایی
۴۱	۲-۲. عقل‌گرایی
۴۲	۳-۲. اشاعره
۴۴	۴-۲. تشیع
۴۸	۵-۲. رابطه عقل و دین نزد فلاسفه اسلام

### بخش دوم: جایگاه عقل نزد متکلمان معاصر شیخ مفید

۵۵	بخش دوم: جایگاه عقل نزد متکلمان معاصر شیخ مفید
۵۶	۱. مقدمه
۵۷	۱-۱. جایگاه عقل نزد شیخ صدوق

۶۰.....	۲-۱. جایگاه عقل در آراء کلامی قاضی ابوبکر باقلانی اشعری.....
۶۴.....	۳-۱. جایگاه عقل در آراء کلامی قاضی عبدالجبار معتزلی.....
۶۸.....	۱-۳-۱. مواضع نص گرایی قاضی عبدالجبار.....
۷۰.....	نتیجه گیری.....
۷۲.....	فصل سوم: رابطه عقل و دین از دیدگاه شیخ مفید(ره).....
۷۳.....	۱. شیخ مفید(ره).....
۷۴.....	۱-۱. نظام کلامی شیخ مفید(ره).....
۷۵.....	۲. عقل و دین نزد شیخ مفید(ره).....
۷۷.....	۱-۲. نص گرایی شیخ مفید(ره).....
۸۰.....	۲-۲. عقل گرایی شیخ مفید(ره).....
۸۲.....	۱-۲-۲. استدلالات عقلی شیخ مفید(ره) در مباحث خداشناسی.....
۸۳.....	۱-۲-۲-۱. بحث توحید.....
۸۵.....	۲-۲-۱-۲. بحث صفات خدا.....
۸۷.....	۱-۲-۲-۱. اراده خدا.....
۸۹.....	۲-۲-۱-۲. عدل خدا.....
۹۱.....	۳-۲. حسن و قبح عقلی.....
۹۴.....	۴-۲. قلمرو حجیت عقل.....
۹۶.....	۵-۲. کاربرد عقل در مباحث فقهی.....
۹۸.....	۳. تعامل عقل و دین.....
۱۰۲.....	نتیجه گیری نهایی.....
۱۰۸.....	منابع.....





**فصل اول:**  
**کلیات**

## ۱. مقدمه و طرح مساله

امروزه یکی از مباحث مهم کلام جدید، بحث نسبت بین «عقل<sup>۱</sup> و دین<sup>۲</sup>» است. رابطه عقل و دین از مسایل بحث برانگیز بوده و همواره توجه دین پژوهان را به خود معطوف داشته و در هر عصر و نسلی مورد تجدید نظر قرار گرفته است. از دیر زمان در میان متکلمان، هم در دنیای اسلام وهم در دنیای مسیحیت، چالش بر سر «عقل و دین»، به انحاء گوناگون، مطرح بوده است.

بحث عقل و دین غالباً از این نظر مورد توجه قرار می‌گیرد که با وجود دستورات دینی که از جانب خداوند برای هدایت مردم نازل شده است، آیا جایی برای فرمان عقل باقی می‌ماند؟ بویژه با توجه به اینکه پیروان برخی از ادیان با دخالت عقل در مباحث دینی سرسختانه جنگیده اند، بیشتر این سؤال مورد توجه قرار می‌گیرد و هر کسی می‌خواهد بداند که آیا واقعا دین با عقل مخالف است؟. در گستره ی ادیان نوع نگاه پیروان هر دینی به این رابطه متفاوت بوده است؛ دسته ای به قداست و حرمت دین قائل گشته و دست عقل را از رسیدن به دامن دین کوتاه و قاصر دانسته اند، دسته ای دیگر منزلت آموزه های دینی را فروکاسته و به عقل شأن و برتری داده‌اند و دسته سوم نیز همواره در جهت تطبیق و هماهنگی این دو ابزار معرفتی کوشیده‌اند.

با توجه به تاریخ تفکر اسلام می‌توان دریافت که رابطه‌ی عقل و دین در جهان اسلام تنش ها و فراز و نشیب های کمتری نسبت به جهان مسیحیت به خود دیده است. عقلانیت و تعقل در مکتب اسلام، پایه ها و ریشه‌های خود را در قرآن و نصوص دینی قرار داده است. به این معنا که آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر(ص) همواره دینداران را به تدبیر و تعقل توصیه کرده و مؤمنان را از

---

<sup>1</sup> reason

<sup>2</sup> religion

ایمان نامعقول بازداشته‌اند. بنابراین اندیشمندان اسلامی نیز همواره درصدد نشان دادن هماهنگی و سازگاری بین عقل و دین بوده‌اند.

مسئله عقل و دین در کلام جدید با عناوین مختلفی مطرح می‌گردد که هرچند می‌توان نقاط مشترکی بین آنها پیدا کرد با اینحال بعضاً افتراق مبنایی با هم دارند، پس نباید بین آنها خلط کرده و یکی را به جای دیگری مطرح کرد. از جمله:

## ۱-۱. عقل و وحی<sup>۳</sup>:

رابطه‌ی عقل و وحی یکی از مسائل مهم و پرثمر فلسفه دین و الهیات به شمار می‌رود. منظور از وحی در اصطلاح متکلمان القائاتی است که از جانب خداوند بر انبیاء برای هدایت مردم فرستاده می‌شود و وقتی در مقابل عقل مطرح می‌شود مراد از آن متن و محتوای کتاب الهی است. عقل و وحی دو ابزار معرفت و دو منبع مهم علم و آگاهی و دو عامل اصلی رشد و ارتقای حیات انسانی است. خداوند برای اعتدلال در خلقت انسان دو ابزار ضلالت به نام ابلیس و هوای نفس و دو ابزار هدایت به نام عقل و وحی (نبوت) به او اعطا کرد که یکی از آن دو بیرونی و دیگری درونی است (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

معرفت دینی در مواردی، عقلانی محض است و فقط با برهان عقلی اثبات می‌شود و در مواردی، وحیانی محض است، که تنها از راه وحی، اثبات می‌شود و بخشی نیز می‌تواند هم از راه وحی و هم از راه عقل، مطرح می‌شود. مبداء، معاد و نبوت، حقایق ضروری و اصول ثابت دین است و وجود وحی، یک ضرورت و فریضه حتمی است، زیرا انبیاء، به بشر چیزی را می‌آموزند، که بشر مستقلاً قادر به فراگیری آن نیست. انسان با منابع و ابزارهای متعدد شناخت (حس، عقل، فطرت و دل)، خود را نمی‌شناسد، درحالی‌که شناخت سعادت و شقاوت متوقف بر شناخت خود است، پس

---

<sup>3</sup>Revelation

ناچار برای شناخت خود و رسیدن به سعادت خویش باید به وحی رجوع کند. از جهتی، رتبه وحی بعد از عقل است زیرا اصل وحی و دیگر اصول بنیادی دین به وسیله عقل اثبات می‌گردد و اگر عقل نباشد پشتوانه‌ای برای اثبات اصول دین نداریم و در بسیاری از موارد وحی، چراغ هدایت عقل است. وحی، جامعیت و گستردگی غیرمحدودی برای ارائه رهنمودهای اصلی و همه‌جانبه در ابعاد مختلف برای هدایت و رشد انسان در زندگی دنیا و آخرت دارد که اگر همه عقلا جمع می‌شدند نمی‌توانستند بدان برسند، به عبارت دیگر حکیم نمی‌تواند به مسائل سرشار وحی با همه جزئیات و تفصیل آن، عالم شود و معنی عجز و قصور عقل نیز همین است.

رابطه عقل و وحی از جهتی معادل بحث رابطه عقل و دین است، و آن هنگامی است که مراد از وحی همان منابع نقلی اعم از کتاب و سنت است و گاه نیز حیطه مباحث آنها مغایر هم می‌باشد و آن زمانیست که کلمه وحی اعم از تجربه دینی، الهام، شهود و معانی از این قبیل است.

## ۱-۲. عقل و ایمان<sup>۴</sup>:

این بحث که بیشتر در میان متکلمین غربی مطرح است به بررسی عقلانیت اعتقادات دینی می‌پردازد. وقتی نسبت عقل و ایمان سنجیده می‌شود مراد بررسی توجیه و یا عدم توجیه عقلانی باورهای دینی است به بیان دیگر در این بررسی سؤال اصلی اینست که آیا ایمان مؤمن باید مبتنی بر دلیل عقلی باشد؟ آیا اعتقادات دینی همیشه باید مطابق با عقل باشد؟ آیا اعتقاد دینی عقلانی است یا این که اساساً ایمان، فعالیت ضد عقلانی یا دست کم غیرعقلانی است؟ اگر به فرض ما نمی‌توانیم ادعاهای اعتقاد دینی را با عقل اثبات کنیم، آیا پذیرش آن‌ها معقول است، برای مثال، اگر نتوانیم هیچ دلیل عقلانی بر وجود خدا اقامه کنیم، آیا با وجود این، باور وجود خدا معقول است؟ و...

---

<sup>4</sup> Faith

با توجه به مسائل مورد بحث در رابطه عقل و ایمان می‌توان گفت که نسبت بین رابطه عقل و دین با بحث رابطه عقل و ایمان رابطه عموم و خصوص مطلق است به این معنا که دین و معنای آن اعم از ایمان است و ایمان داخل در معنای آن است، ایمان داشتن را می‌توان معادل دینداری قرار داد که خود بحثی است داخل در مبحث کلی دین. پس طرح ایمان در مقابل عقل و یا همان عقلانیت اعتقادات دینی قسمی از مباحث عقل در برابر دین است نه جدای از آن.

### ۱-۳. علم و دین:

آنچه امروزه در عرصه دین‌شناسی به بحث علم و دین معروف است، با بررسی تعامل دین با علم<sup>۵</sup> - به معنای علوم تجربی<sup>۶</sup> - سرو کار دارد. در این بحث یافته‌های علمی مقابل آموزه‌های دینی قرار می‌گیرد. منظور از علم در اینجا علوم تجربی و یافته‌های تجربی مبتنی بر روش استقرا است، نه مطلق علم که شامل تمامی ادراکات بشری از جمله گزاره‌های عقلی نیز گردد. به عنوان مثال از جمله موارد مطرح در این رابطه، نظریه تکامل داروین در زیست‌شناسی و خلقت اولیه در ادیان است که به ظاهر با هم در تناقضند. بر طبق برخی از آیات قرآن کریم و باورهای مسیحیان و یهودیان، خداوند انسان را از گل خشکیده‌ای خلق کرد، در حالیکه براساس نظریه داروین، انسان تکامل یافته نسل میمون است.

آنچه مسلم است اینست که قلمرو رابطه عقل و دین از رابطه علم و دین جداست و جداانگاری آن دو امری بدیهی است. و تصور هر گونه وحدتی میان این دو موضوع خلط و خبطی آشکار است.

---

5 science

<sup>۶</sup> در عرصه‌ی رابطه‌ی علم و دین، علم به معنای علوم تجربی اعم از طبیعی و انسانی، در نظر گرفته می‌شود. علوم طبیعی مانند زیست‌شناسی، فیزیک، شیمی، زمین‌شناسی و... و علوم انسانی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و... .

## ۱-۴. فلسفه و دین:

بحث عقل و دین که از آغازین روزهای تفکر فلسفی بشر تحت عنوان «فلسفه و دین» مطرح بوده است، بیشتر به مغایرت بین آموزه های فلسفی با تعالیم پیامبران می‌پرداخته است، از جمله بحث اختیار، مسئله شر، جهان پس از مرگ. برای مثال در بحث جهان پس از مرگ فیلسوفان معتقدند براساس استدلالات عقلی انسان با مرگ نیست و نابود می‌گردد، درحالیکه طبق آموزه های ادیان الهی، انسان مرکب از روح و بدن است و با مرگ تنها از نشئه ای به نشئه دیگر انتقال می‌یابد و در آنجا به پاداش و کیفر اعمالش می‌رسد.

در واقع، وفق دادن میان فلسفه و دین یا میان حکمت و شریعت، مسئله‌ای است که از زمانی که انسان خواسته میان داده‌های عقل و داده‌های ایمان خود ارتباطی به وجود آورد، ذهن او را به خود مشغول ساخته است. ابتدا فلاسفه یونان و سپس متفکران مسیحی و نیز متفکران اسلامی در حل این مسئله تلاش‌های زیادی کردند.

و...

در اینجا منظور نگارنده از بحث عقل و دین، رویارویی عقل با گزاره های دینی می باشد. به این معنا که جایگاه و قلمرو عقل در برابر گزاره های نقلی کجاست، به عبارتی به بررسی رابطه عقل و نقل خواهیم پرداخت ولی از آنجا که استعمال عبارت «رابطه عقل و دین» شایعتر است، در رساله حاضر نیز از این عنوان استفاده شده است. بنا به نظر نگارنده منظور از دین، مجموعه اعتقادات، دستورات اخلاقی و احکام فقهی ای است که در قالب متون دینی اعم از کتاب و سنت در محدوده ی دین اسلام به دست ما رسیده است و مراد از عقل نیز همان عقل کلامی یا عقلی است که مدرک کلیات است. چنانکه در علم کلام منظور از عقل ابزار شناخت و تمییز میان اشیاء و نطق و تعقل است.

در پژوهش حاضر سعی بر اینست که با محور قرار دادن آراء کلامی شیخ مفید به بررسی رابطه عقل و دین در آثار این اندیشمند بزرگ جهان تشیع پرداخته و به بیان جایگاه و کارکرد عقل در مباحث دینی از نظر وی بپردازیم. سوالاتی که ما را به تحقیق در این حیطه برانگیخته است عبارتند از: واژه «عقل» در نگاه شیخ مفید به چه معناست؟ با توجه به اینکه شیخ مفید در مباحث رویکرد عقلی دارد، آیا ایشان عقل را در مباحث دینی حجت می‌داند؟ در تقابل عقل و دین موضع ایشان چگونه است؟ و...

در این پژوهش سعی کردیم تا حد امکان به این سوالات پاسخ دهیم. لذا در فصل اول به طرح مسأله، پیشینه‌ی مطالعاتی و تاریخی بحث و همینطور واژه شناسی پرداخته، سپس در فصل دوم تاریخچه‌ی مفصل از ماجرای عقل و دین در جهان اسلام ارائه داده و در ادامه به بیان جایگاه و ارزش عقل در مباحث کلامی، نزد متکلمان معاصر شیخ مفید خواهیم پرداخت، و در فصل سوم رابطه عقل و دین را خاصه از منظر شیخ مفید بیان کرده و سرانجام در فصل چهارم به نقد و بررسی دیدگاه وی و رد و اثبات فرضیه‌ها و نهایتاً نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

## **۲. پیشینه‌ی بحث عقل و دین:**

### **۲-۱. پیشینه‌ی مطالعاتی:**

#### **۲-۱-۱. کتابها**

الف. ابن رشد (۱۳۵۸)، در کتاب «فصل المقال فی ما بین الحکمه و الشریعه من الاتصال» بیان می‌کند که بین دین و حکمت رابطه دو سویه و متقابلی برقرار است و نشان می‌دهد که قرآن مجید هم به این امر تصریح دارد. در ادامه مسأله‌ی تأویل را بیان کرده و بررسی می‌کند که آیا رجوع به باطن آیات و روایات درست است یا نه؟ در پایان هم به بررسی علم خداوند می‌پردازد.

ب. آربری (۱۳۵۸)، در کتاب «عقل و وحی در اسلام» به تحلیل و بررسی مفهوم وحی در ادیان پرداخته و تاریخچه ای از شروع عقل گرایی در اسلام را ارائه می‌دهد، سپس آراء فیلسوفان و متکلمانی از جمله فارابی، غزالی، ابن سینا، رازی، ابوالحسن اشعری و... را در این باره بررسی کرده سپس آیاتی از قرآن مجید را در راستای موضوع کتاب بیان می‌کند.

پ. جوادی آملی (۱۳۸۷)، در کتاب «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» ضمن تبیین جایگاه عقل در مباحث دینی به حل این تعارض خیالی و رفع توهم جدایی علم و دین می‌پردازد و اثبات می‌کند که عقل در برابر نقل مطرح است نه در برابر دین. مطالب این کتاب در دو بخش تنظیم شده است، دین، عقل، وحی و نقل، نسبت عقل و نقل در قرآن، تعارض عقل و نقل، اسلامی کردن علوم و دانشگاهها از جمله عناوین فصل‌های مختلف این کتاب است.

ت. نیکزاد (۱۳۸۶)، در کتاب «عقل و دین از نگاه ملاصدرا و برخی فیلسوفان صدرایی» به بررسی نسبت میان عقل و دین از نگاه حکیم ملاصدرا و برخی از فیلسوفان صدرایی چون، علامه طباطبایی، شهید مطهری، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی پرداخته و نظرات هر یک را در فصولی جداگانه ارزیابی کرده است. این کتاب در شش فصل تدوین شده و از موضوعات آن می‌توان به فلسفه دین، رابطه خدا با جهان و انسان، برهان صدیقین و نسبت عقل و دین اشاره کرد.

ث. و...

## ۲-۱-۲. مقالات

الف. محمد ابن الرضا در مقاله ای تحت عنوان «حجیت عقل در کلام شیخ مفید» (۱۳۷۱)، به بررسی اعتبار عقل نزد شیخ مفید پرداخته، وی ابتدا دلیل عقلی را به مستقل و غیر مستقل تقسیم کرده سپس نظر اصولیین و اخباریین و خاصه نظر شیخ را درباره حجیت هر یک از اقسام بیان کرده است.



بنا به نظر ایشان، شیخ مفید حکم قطعی عقلی خالی از شوائب و اوهام را حجت دانسته، و به هنگام تعارض دلیل نقلی با دلیل قطعی عقلی، دلیل عقلی را مقدم می‌دارد.

ب. محسن کدیور در مقاله «مقام عقل در اندیشه شیخ مفید» (۱۳۷۱)، ابتدا مراد از عقل را بیان کرده سپس جایگاه عقل در اندیشه شیخ مفید و نظر وی را در مسأله تعارض دلیل عقلی و نقلی بیان می‌کند. در ادامه اشاره می‌کند که هرچند شیخ عقل را در شمار ادله شرعی نمی‌آورد اما آن را به عنوان طریق شناخت حجیت قرآن و دلالات اخبار به رسمیت می‌شناسد. بنا به نظر ایشان شیخ مفید در مسائل اعتقادی و فقهی، عقل را نیازمند وحی می‌داند.

پ. محمدعلی مهدوی راد-محمدعلی تجری در مقاله ای با عنوان «نقش عقل در نقد و فهم حدیث از دیدگاه شیخ مفید» (۱۳۸۷)، بیان می‌کنند که شیخ مفید عقل را یکی از معیارهای نقد حدیث دانسته و معتقد بوده که مطابقت مفاد حدیث با عقل نشان دهنده صحت آن است زیرا همواره بین نقل صحیح و عقل سلیم سازگاری وجود دارد. در بیان ایشان عقل هم به عنوان منبع و هم به عنوان ابزار، در فهم حدیث کاربرد دارد.

## ۲-۱-۳. پایان نامه‌ها

الف. افشون، فتانه (۱۳۷۴)، پایان‌نامه ایشان با عنوان «ارتباط عقل و دین از نظر متکلمان مسلمان» می‌باشد. این پایان نامه در چهار فصل به بیان موضوع می‌پردازد. فصل اول که با نام ارتباط عقل و دین از نظر متکلمان اشعری می‌باشد به بررسی آراء کلامی غزالی و فخرالدین رازی و نقش عقل در فهم و در تحقیق صدق و کذب گزاره های دینی و مذهبی پرداخته، فصل دوم در مورد ارتباط عقل و دین از نظر متکلمان ما تریدیه، فصل سوم به ارتباط عقل و دین از نظر متکلمان معتزلی و فصل چهارم به ارتباط عقل و دین از نظر متکلمان امامیه می‌پردازد.

ب. ستاره جو، سپیده (۱۳۸۰)، در این رساله با عنوان «رابطه عقل و دین در فلسفه و کلام اسلامی (تا قرن پنجم هجری)» به بیان نظرات و موضع گیریهای متفاوت فلاسفه و متکلمین اسلامی تا قرن پنجم هجری، پیرامون ارتباط عقل و دین پرداخته شده است. این نوشتار در چهار فصل، کلیات، موضع عقل گرایان در مقابل دین، موضع نص گرایان در مقابل عقل و موضع عقل و دین در برابر یکدیگر تنظیم شده است.

پ. کرمانی، علیرضا (۱۳۷۹)، در پایان نامه خود با عنوان «بررسی مسأله تعارض عقل و دین از منظر متفکران مسلمان» تلاش کرده تا رابطه عقل و دین از دیدگاه متفکران مسلمان را بررسی کرده و به این پرسش پاسخ داده شود که آیا ایشان عقل و دین را با یک دیگر متعارض می‌دیده‌اند و اصولاً چه توجیه و تبیینی درباره اختلاف‌هایی که احیاناً میان آموزه های دینی و احکام عقلی به چشم می‌خورد، داشته‌اند.

این عناوین، اشاره‌ی مختصری بود به کارهای مطالعاتی و تحقیقاتی بسیاری که در زمینه عقل و دین و جایگاه عقل در معارف دینی صورت گرفته است. از آن جایی که این تحقیق به بررسی رابطه عقل و دین از دیدگاه شیخ مفید می‌پردازد، لذا می‌توان ادعا کرد که کاری نوآرانه است زیرا تاکنون هیچ تحقیق مستقلی تحت این عنوان صورت نگرفته و این مقوله به صورت یک کار تحقیقی دقیق مطرح نشده است. نگارنده بنا به این دلیل که شیخ مفید اولین کسی است که در مباحث دینی نقش عقل را پررنگ تر کرده و آن را در مباحث نقلی مطرح کرده است، علاقمند به بررسی موضوع عقل و دین در اندیشه شیخ مفید گردید.

## ۲-۲. پیشینه‌ی تاریخی

نسبت بین عقل و دین از کهن‌ترین گزاره‌های گفت و گو در حوزه دین و دیندارهاست که به گونه‌ها و عناوین مختلفی مطرح شده است. در اینجا اشاره‌ای کوتاه به مسأله عقل و دین در غرب و جوامع

اسلامی می‌کنیم. پیش از شروع بحث باید اذعان کرد که نمی‌توان به تاریخ مضبوطی در جوامع غربی درباره رویارویی عقل و دین رسید، ولی با توجه تحقیقات انجام شده می‌توان گفت:

افلاطون اولین فیلسوف یونانی بود که کنکاش عقلی را در مباحث الهیاتی مدنظر قرار داد. وی بیان می‌کند که «چه کسی می‌تواند آرامش خود را هنگامی که اثبات وجود خدایان را از او می‌خواهند، حفظ کند» چرا که طبق بیان او مردم می‌گویند ما نباید در مورد خداوند متعال و طبیعت کائنات کاوش کنیم، چنین جستجوهای توأم با گناه و برخلاف حقیقت است (آربری، ۱۳۵۸: ۵). در اینجا است که ما به عمق کشاکش بین عقل و دین در فلسفه افلاطونی پی می‌بریم. مابعدالطبیعه ارسطو نیز از آن جهت که در آن اصل اول فلسفی با مفهوم خدا تلفیق یافته است، بعنوان حادثه ای دوران ساز در تاریخ الهیات عقلی قلمداد می‌شود (ژیلسون، ۱۳۷۴: ۴۱-۴۲). که این خود نمودی از طرح عقل در مباحث الهیاتی است. فیلون اولین متفکر یهودی بانفوذی بود که این عقیده ائتلافی و التقاطی را پیش کشید که کتاب مقدس وحی از طرف خداوند است و در ضمن فلسفه یونانی نیز حقیقت دارد و خود را با مسأله ایجاد توافقی بین فلسفه و شرع و افلاطون و موسی (ع) روبرو یافت (آربری، ۱۳۵۸: ۵).

در فرهنگ غربی بحث عقل و به ویژه نسبت آن با دین (ایمان) از دوران قرون وسطی به صورت جدی مطرح گردید دلیل عمده آن عملکرد کلیسا و موضع گیری‌های افراطی پرسش از عقل و دین در آن دوران بود. در قرون وسطا عقل و ایمان هر دو حجت بودند. فیلسوفان قرون وسطا معتقد بودند که بین عقل و وحی تعارضی روی نمی‌دهد، عقل و اصول آن همگی مخلوق خداوند است (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۹۸). در این دوران تنها نزاع بر سر میزان توانایی عقل و تطابق عقل و وحی و تقدم یکی بر دیگری بود. «اتین ژیلسون»، متخصص و مورخ اندیشه قرون وسطا، در زمینه اعتقاد به رابطه عقل و دین گروه‌های متعددی را ذکر می‌کند، دسته اول گروهی از متألهان مسیحی که معتقد بودند که آنچه برای رسیدن به رستگاری لازم است در کتاب مقدس آمده است، پس باید صرفاً

شریعت را آموخت و نیاز به چیز دیگری از جمله فلسفه نداریم زیرا خداوند با ما صحبت کرده است بنابراین نیازی به تفکر نداریم (ژیلسون، ۱۳۷۸: ۳). گروه دیگر از جمله آگوستین قدیس بر این عقیده بودند که طریق وصول به حقیقت طریقی نیست که از یقین عقلی شروع شود و به ایمان منتهی گردد بلکه برعکس طریقی است که مبدأ آن ایمان است و از وحی به عقل راه می یابد. وی این عقیده خویش را در قالب قاعده ای معروف، چنین بیان می کند: فهم پاداش ایمان است، لذا در پی آن مباش که بفهمی تا ایمان بیاوری، بلکه ایمان بیاور تا بفهمی (همان: ۱۶).

با شروع عصر نوزایی در اروپا، جدال بین عقل و دین شدت گرفت. اعتماد و اتکای به عقل که از ویژگی های عصر نوزایی بود شرایطی را به وجود آورد که به کلی مخالف با روح قرون وسطا بود، به همین خاطر مقامات دینی و کسانی که قدرت خود را در معرض خطر می دیدند تصمیم به تحدید عقل و آزادی عقلا گرفتند، تشکیل محکمه های تفتیش عقاید نمادی از رفتار ظالمانه روحانیون مسیحی با اندیشمندان است. در اوایل قرن هفدهم، عده ای از کاتولیک ها که مخالف قدرت ارباب کلیسا بودند با سایر فلاسفه هم آوا شدند و در جهت آشتی دادن میان عقل و دین تلاش کردند. در طول قرون هفدهم و هجدهم، اکثر روشنفکران به شدت درصدد ترفیع مقام عقل و قدرت آن بودند، در آن زمان ارباب کلیسا به اندازه ای صاحب قدرت نبودند که دین را بر عقل مقدم معرفی کرده و حکم به عجز و ناتوانی عقل دهند، بدین ترتیب راه چاره را در این دیدند که به توافق عقل و دین حکم دهند. بدین معنا که دستاوردهای تفکر عقلانی، دین و گزاره های دینی را تأیید می کند (طویل، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۵). و این امر هر چند پایان راه نبود ولی به مدت طولانی توانست بین نقلگرایان و اندیشمندان عقلگرا تا حدودی صلح برقرار کند. پس از عصر روشنگری قرن ۱۸ در اروپا، صورت مسئله به گونه ی دیگر مطرح گردید، و آن اینکه خرد آدمی پاسخگوی تمام نیازهای بشر بوده و تاریخ دین به پایان رسیده و خرد را بدیل و جایگزین دین مطرح نموده اند. این روند تا قرن